

# از حافظ شیرازی تا ماهنامه‌ی حافظ

آیین بزرگداشت حافظ و پروفسور سیدحسین امین

در فرهنگ‌سرای دانشجو، پارک شفق، مهر ۱۳۸۷

آرش اسدزاده  
کارشناس حقوق قضایی

توسط بانو توران شهریاری (بهرامی)، و اشعاری درباره‌ی حافظ شیرازی و ماهنامه‌ی حافظ، توسط مرتضی درویش ۹- اجرای موسیقی توسط علیرضا محمدی (آواز)، همکارشان (قره‌نی).

۱۰- قرائت اشعاری در تقدیر از پروفسور امین، توسط: سیروس حقگو، زهرا بوالحسنی (زهرة)، جلال مهدیانی سرکانی و...

۱۱- قرائت گزیده‌ی از قصیده‌ی حافظ اثر پروفسور امین توسط سید امیرمهدی امین ۱۲- اجرای ارکستر گروه هم‌نوازان به سرپرستی آقای نظری

۱۳- اهدای جوایز و لوح تقدیر و قدردانی از آقای دکتر کمالی‌نسب (معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه‌ی ۶)، آقای مقدم مسوول دفتر معاونت فرهنگی و همکاران دیگرشان آقایان بهبودی، درویش و تاجیک.

□ ارادتمندان حافظ شیرازی و دوستداران ماهنامه‌ی حافظ در روز چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۷ به ابتکار معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه‌ی ۶ تهران و بنا به دعوت و مساعی «انجمن ادبی بهار - خاقانی» در فرهنگ‌سرای دانشجو در پارک شفق تهران گرد آمدند تا به مناسبت روز حافظ (بیستم مهرماه)، انتشار مستمر و بی‌وقفه‌ی ۵۴ شماره نشریه‌ی وزین حافظ را پاس بدارند و سپاس بگذارند و بدین وسیله از پروفسور سیدحسین امین مدیر نشریه‌ی حافظ و گردانندگان، همکاران، نویسندگان، شاعران و هنرمندان آن نشریه و همه‌ی حافظ‌دوستان کشورمان قدردانی کنند.

این گردهمایی پرشور و جان‌دار به شرح زیر اجرا شد:

- ۱- تلاوت آیاتی از قرآن مجید
- ۲- سرود جمهوری اسلامی ایران
- ۳- خوشامدگویی و اعلام برنامه توسط سرهنگ هوشنگ وزیر فرآهانی (مسوول انجمن بهار - خاقانی)
- ۴- سخنرانی افتتاحیه توسط پروفسور سیدحسین امین درباره‌ی «جایگاه حافظ در فرهنگ ایران و ادبیات فارسی»
- ۵- قرائت زندگی‌نامه‌ی پروفسور امین توسط مریم نایب‌الصدری (کارشناس حقوق قضایی)
- ۶- اجرای موسیقی بدون کلام: بهمن فردوسی (ویلون) و منصور رشیدی (ضرب)
- ۷- سخنرانی‌های چند تن از استادان سخن: علی‌رضا تبریزی، عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، کمال زین‌الدین، علی هاشمی و حسین قاسمی‌وند
- ۸- قرائت اشعاری در تقدیر از پروفسور امین به مناسبت تألیف دانشنامه‌ی شعر،

## گزارش ایسنا

از آن‌جا که به قول مولانا، «خوش‌تر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیث دیگران» گزارش این مراسم فرهنگی را عیناً از خبرگزاری ایسنا نقل می‌کنیم:

«به گزارش ایسنا، در مراسمی که در فرهنگ‌سرای دانشجو به مناسبت بزرگداشت حافظ و تقدیر از خدمات پروفسور سیدحسین امین برگزار شد، امین، حافظ را از جایگاه ویژه‌ی برخوردار دانست و عنوان کرد: فردوسی و حافظ هر دو از شاعرانی هستند که درخشش فوق‌العاده‌ی در فرهنگ و ادب ایران‌زمین داشته‌اند. اگر فردوسی نبود و زبان فارسی را پاسداری نمی‌کرد، زمینه‌ی فراهم نمی‌شد که حافظ، سعدی، خیام و مولوی به این زبان سخن بگویند، اما حافظ هم‌چنان محبوب‌ترین و مقبول‌ترین شاعر ماست.

سیدحسین امین، حافظ را زبان گویای جامعه‌ی ایران و وجدان ناخودآگاه جمعی ایرانیان از دیرباز تا امروز دانست و این شاعر را حافظ تمامی خوبی‌ها و امتیازات شاعران پیش از خودش عنوان کرد.

او هم‌چنین افزود: دلیل این ادعا یکی آن است که امروز ملت ایران بیش از هر شاعری غزلیات حافظ را حفظ می‌کنند و در قفسه‌ی کتاب هر خانه‌ی، در کنار قرآن، حتماً یک نسخه از دیوان حافظ به چشم می‌خورد و دیگر آن‌که مردم ایران بعد از قرآن با هیچ کتاب دیگری جز دیوان حافظ مشورت نمی‌کنند و تفأل نمی‌زنند.



از راست: عبدالرحیم جعفری (موسس انتشارات امیرکبیر) - رضا سجادی (اولین گوینده‌ی رادیو در ایران) - شهزاد فاضلی (رییس انجمن خوانساری‌های مقیم مرکز) - دکتر حسین تجدد (پزشک متخصص و استاد مدعو دانشگاه) - رحیم زهتاب‌فرد (روزنامه‌نگار پیشکسوت) - علیرضا تبریزی (ادیب، خطیب و شاعر معاصر) - کمال زین‌الدین (رییس انجمن ادبی کمال) - دکتر محسن فرشاد (وکیل دادگستری و استاد دانشگاه) - غلام‌حسین قرشی (رییس انجمن دانشوران و الیگودرزی‌ها) - علی هاشمی (ادیب و سخنور) - پروفسور سیدحسین امین - عبدالرفیع حقیقت (مؤلف بیش از هشتاد عنوان کتاب) - هوشنگ وزیر فرآهانی (در حال قرائت لوح تقدیر)



گوشه‌یی از مجلس بزرگداشت



چهارده نفر از حاضران مجلس بزرگداشت پروفسور امین در روی سن



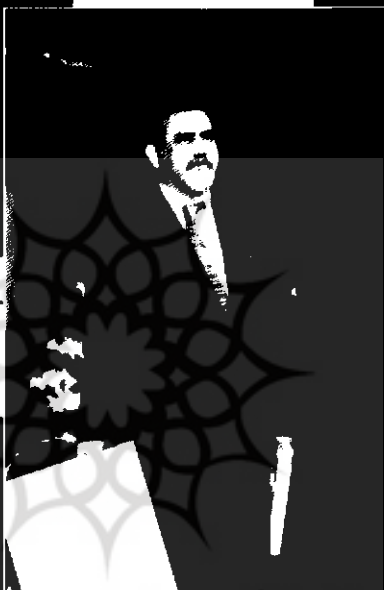
علیرضا تبریزی در حال سخنرانی



توران شهربازی (بهرامی) در حال شعرخوانی



پروفسور امین - کمال زین‌الدین



عکس‌ها از:  
صدف گنجوی



دکتر محسن فرشاد - پروفسور امین



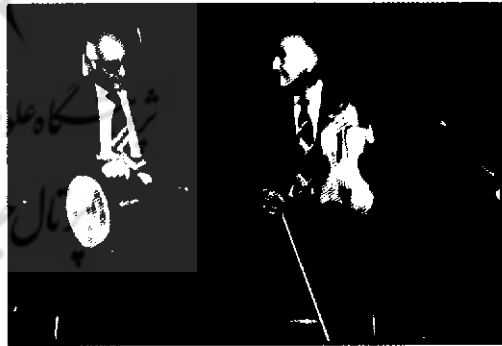
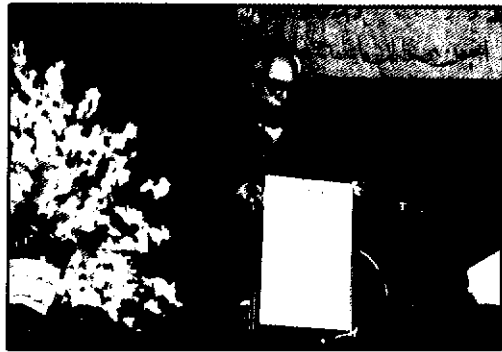
این پژوهشگر با اشاره به عنوان لسان‌الغیب حافظ، اظهار داشت: این عنوان هم به این خاطر است که حافظ با عالم معنا و جهان غیب و ارواح بلند اولیا و بزرگان در ارتباط بوده است و از آن تلقین می‌گرفته و هم به این خاطر، حافظ زبان و وجدان گویا و ناخودآگاه جامعه‌ی ایرانی‌ست. او شعر حافظ را آمیخته‌یی از شک، طنز سیاسی و اعتراض‌های اجتماعی خیام، جنبه و شور مولانا، فصاحت و بلاغت زبان سعدی و شکوه حماسه‌ی فردوسی دانست و اظهارداشت: آن‌چه خوبان همه دارند، حافظ یک‌جا دارد.

در ادامه علیرضا تبریزی طی سخنانی، اخلاق را زاینده‌ی درک و فهم انسان دانست که وی را به کرنش و تعظیم و تکریم در برابر بزرگان و خدمت‌گزاران وامی‌دارد و گفت: «با کمال تأسف یکی از کمبودها و علل عقب‌ماندگی کشور ما عنایت نداشتن به ذخایر گران‌قدر علمی، فرهنگی و هنری همانند پروفسور امین است. کنار زدن پرده‌های سکوت در برابر ایشان امری است عاجل که انجام آن وظیفه‌ی همه‌ی ماست.» او در ادامه شعرهایی را در همین زمینه از ادیب‌الممالک فراهانی و سیف فرغانی برای حاضران خواند. سپس توران بهرامی، زهرا بوالحسنی، کمال زین‌الدین، عبدالرفیع حقیقت، جلال مهدیانی، مرتضی درویش، حسین قاسمی‌وند و علی هاشمی به خواندن شعرهایی در تقدیر از پروفسور امین پرداختند. هنرمندان نیز در این مراسم به اجرای قطعاتی از موسیقی پرداختند.

### تعدادی از شرکت‌کنندگان

افزون بر سخنرانان، شاعران و هنرمندان که ذکرشان در گزارش رسمی خبرگزاری ایسنا، مذکور افتاد، تعدادی دیگر از استادان، نویسندگان، ادیبان، شاعران، هنرمندان و فرهنگ‌پروران حاضر در این مجلس، به ترتیب حروف الفبا، عبارت بودند از:

آرزو ناظری، آرش منصوری، ابراهیم سارنگه ابوالحسن اسدی، احمد متولی، احمد سمیمی‌شنوا، اسماعیل مفتی‌زاده، اشکان درویشی، اعظم فیروزآبادی (ماهر)، اعظم دانشجو، امیراصلان شکوهی، بهرنگ امان، پرویز خجندی مقدم، جهانگیر (عباس) دانای علمی، حسن رهبر، حسین اسلامی‌راد، حسین حاجی‌نوروز، حمید سبزواری، حمید مقدم تبریزی، دکتر احمد سمیدی، دکتر امیرعباس اسفندیاری، دکتر بهشید ارفع‌نیا، دکتر ایرج صرافه دکتر بهزادی، دکتر جواد طباطبایی، دکتر حسن خراسانی، دکتر حسن شادروان، دکتر حسین بیگدلی آذری، دکتر حسین تجدد، دکتر حسین مهنوی، دکتر رزا قراچورلو، دکتر عباس کی‌منش، دکتر علی وصال، دکتر فرشته نواده، دکتر کیومرث فرح‌بخش، دکتر مهدی مزده، دکتر محسن فرشاد، دکتر محمدرضا بیگدلی، دکتر محمدتقی متقی، دکتر منصور اسدزاده، دکتر علینقی منزوی، دکتر هدایت رحیم زهتاب‌فرد، رحیم ترابی‌نژاد، رضا سجادی، رضا فاضلی، رشید مظفری سردشتی، رؤیا نادری، سرهنگ حسن رزم‌دوست، سرهنگ علی‌اکبر ریحانبان‌پور، سمینه رحیمی، سلیمه اسدزاده سیروس کبیر، سوسن رحمتی، شیخ محمدحسین سنجرلی، صبا احمدزادگان، ضیاء مصباح عباس احمدی لاله‌زار، عبدالرحیم جعفری، علی‌اکبر کنی‌پور (مستی)، غلام‌حسین قرشی، غلام‌علی برومند، فرزاد فردوسی، فرزانه کرمی، فرشته کاظمی (سروش)، فریبا حیدری، فرید جواهرکلام، فضل‌الله دروش، فضل‌الله کاسمی، قدسیه مسعودیه کاظم محمدزاده، کمال‌الدین حکیمی، علی مختاری، علی محمد عدالت‌عبدالحسین میرزایی، غلام‌علی برومند، لیلا رضایی، محمد ثابت محمدکاظم سالمی (مدیر فصلنامه‌ی هنرپو)، محمود صباحی، محمدباقر قرشی خوانساری، مصطفی نصرت‌زاده هوشنگ قوامی، ملکه رنجبر



برای پرفسور دکتر امین شد مجلسی برپا طراوت بخش و پُررونق به سان جنت علیا در آن مجلس همه گرد آمده مردان دانشور برای تهنیت‌گویی بر آن دانشور والا هزاران لوحش الله بر چنین مردان با همت که بهر پرفسور کردند زین سان مجلسی برپا اگرچه گوی سبقت برده این استاد نام‌آور ز مردان بزرگ نامدار خط‌های غبیرا همین بس در مدیح او که باشد سیدی مهتر ز فرزندان شاه دین علی عالی اعلا کسی کز دودمان سبط پیغمبر حسین باشد گذشته رایت قدرش ز بام گنبد مینا بخوان آثار او را تا بدانی قدر ادراکش که پُر کرده صریر خامه‌اش ایران زمین یک‌جا ز رشک خامه‌ی گوهرنگار عطرآفتابش معطر شد مشام مردم خوش‌محضر دانا به‌حمدالله که یوسف از چه کنعان برون آمد به نام حافظ شیراز از دل برکشید آوا اگرچه مدتی در چاه و زندان بود پابسته ولی آخر عزیز مصر شد آن گوهر یکتا امین باشد به نزد اهل ایران این نکو محضر هر آن کس خواند آثارش بگفتا: رَبِّ صَلِّ عَلَیْهَا بگفت این چاه را در منح او مسعودی دل خون که در این کنج افتاده مریض و یکه و تنها

#### ۴- غلام علی برومند

آفرین بر امین دانشور عالم فاضل هنرپرور قاضی و ناطق و نویسنده اوستاد بزرگ فرخنده باشد از نسل پاک پیغمبر هست سالار و سید و سرور ای امین ای به راه حق پویا گوهر علم را شده جویسا اوستادی و نکته‌پردازی در جهان ادب، سرافرازی اختر آسمان عرفسانی بر برومند میر و سلطانی

#### ۵- کمال الدین حکیمی (کمال)

قلم‌شگسته و پابسته چون امین باشد سزای هر که وطن دوست دارد، این باشد

یادگارش جشن نوروزی و این اعیاد باد آن چه گویم بمد اسلام است، زیرا قبل از آن هست در شهنامه و اسطوره‌اش بنیاد باد فخر ما باشد به دوران در طبابت بوعلی سربه‌سر گلزار ایران گلشن فرجاد باد سمدی و حافظ دگر فردوسی آن پیر خرد گلشن شعر و ادب شاداب از این افراد باد شمس او را می‌ستایم هم‌چنان مولای روم گلشن عرفان ز او والاتر و آباد باد طاهر آن مردی که عریان گشته از بار بدی کاخ شعرش استوار و شیوه‌اش بهزاد باد هر که شد مادر نژاد یل چو بابک خرّمی صد درودم بر وی و بر مازپار راد باد پرچم آزادگی شد از ابومسلم بلند خط خونینش جواز دفن استبداد باد نادر، آن آزاده مردی کو به قلب خصم زد تا جهان باقی وطن از پور خود دل‌شاد باد در دل تاریخ ایران خفته مرد آهنین لطفعلی‌خان در اراده کوهی از پولاد باد نامور مردی که نامش در صدارت شد امیر شیوه‌اش سپهن‌پرستی، یاد او فریاد باد عارف و عشقی دو نام‌آور چنان چون فرخی در ره مام وطن رنجیده از بی‌داد باد گلشن ایران پُر از نام‌آور است و نامدار خواهم از یزدان ورا پیوسته در امداد باد عصر ما هم خوش درخشید پرفسور دکتر امین تا وطن برجاسته عمر حضرت استاد باد این همایون جشن عظاما، محضر اهل ادب وین ستایش‌ها از او ما را دم ارشاد باد جان حق گویان فدای ملک و ملت گشته است تا رها، صید وطن از تیر هر صیاد باد

(هنرپیشه‌ی پیشکسوت)، منصور افتخاری، منصور حسینی، مهندس علی‌اصغر فراز، مهندس مسعود فیاضی، مهندس مقصود ماهری، منوچهر رئیسی، مینا دانشجو، نیما جوادی، هادی مبرقع، یحیی وهاب‌آقایی ...

اینک تعدادی از اشعاری را که به‌مناسبت این آیین فرهنگی ارائه شده است، در این‌جا درج می‌کنیم. چاپ تتمه‌ی اشعار و خلاصه‌ی سخنرانی‌ها و بقیه‌ی عکس‌ها که توسط محمدعلی محمودی، صدف گنجوی و الهه اسماعیل‌زاده از مراسم مذکور گرفته شده را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم:

#### ۱- دکتر عباس کی‌منش (مشکان گیلانی) رباعی موشح

پیشکش می‌آرمت ای جان جان ای تو ما را اوستاد مهربان رباعی زیر موشح به‌نام بلند آوازه‌ی حضرت استاد دانشمند فرزانه‌ی بزرگوار پرفسور سیدحسن امین است که به حضرت ایشان تقدیم می‌گردد:

ای قلب تو از چراغ دانش آذین ماه رخت از مهر به خورشید قرین یازان تو چون دعای خیرت گویند ناورده به لب ملک بگویند امین

#### ۲- سیروس حقگو

##### مفاخر ایران زمین

از بزرگان وطن، ایرانیان را یاد باد در جهان پیوسته فخرم بر چنین اجداد باد می‌درخشد تاج دارا بر سر مام وطن

ز شهنه پرس امین را جز این چه بود گناه  
که هر چه گفت گواهنش در آستین باشد  
به دین و دانش او شک مبر که هر سخنش  
پی پرستش حق جبهه بر زمین باشد  
سخن به اوج فلک می‌رساند این استاد  
ز دل کسی چو سخن گفت، دل‌نشین باشد  
فری به خادم ایران‌زمین که خدمت او  
به مام میهن شایان آفرین باشد  
مرا به دانش و آزادی‌ش شکی نیست  
به حق‌پرستی او بنده را یقین باشد  
امین که هست مه پُرفروغ ملک هنر  
برای خاتم شعر و ادب نگین باشد  
سرودم این غزل نغز و دوستان گفتند  
امید دار که شایسته‌ی امین باشد  
درازگویی بی‌جا کمال نیست درست  
گرفتم آن‌که کلامت درُ نمین باشد

#### ۶- خانم صبا احمدزادگان

امین مردی امین و مهربان است  
که دانا و فهیم و نکته‌دان است  
سخن آهسته و پُرمغز گوید  
که سنجیده همواره نغز گوید  
به اشعارش نگر بس دل‌نشین است  
ز حق‌گویی کلامش آتشین است  
سخن‌دانی‌ست اهل علم و ایثار  
که دارد در سخن نطقی گهربار  
شریف و صادق است و اهل دانش  
نه اهل سازش و نه اهل خواهش  
ندارد سازگاری با بداندیش  
ستم بستیز ولیک آزاده‌اندیش  
سلحشورانه آرد بر قلم خیز  
که دست فتنه را کوتاه کند نیز  
ز مردان دلیر رفته از یسار  
دهد داد سخن، آید به فریاد  
ز دانیان، طریقت باید آموخت  
کلام حق نباید بر دهان دوخت  
شب و روز است گرم جان‌فشانی  
که حافظ را نماید پاسبانی  
ز صدق خود قلم را آبرو داد  
به آزادی و مردی سمت و سو داد  
رسالت‌ها به دوش خویش دارد  
هراسی نی ز بداندیش دارد  
ز مردان نکوی روزگار است  
امین از چهره‌های ماندگار است

صبا سرمشق از استادان بیاموز  
که هر روزت شود بهتر ز دیروز

#### ۷- محمد ثابت

در سخن شیرین‌بیاں و در سخن‌دانی سری  
بر سر نام‌آوران دین و دانش افسری  
از تبار آل‌طاهها دوده‌ی پیغمبران  
پاسدار حرمت فرهنگ و تاریخ جهان  
در پژوهش‌ها نکات تازه‌یی پیدا کنی  
تا گره از متن اسرار نهانی واکنی  
حُسن گفتار اثر در قالب معنا کند  
مستمع را با فروغ چشم دل بینا کند  
مفتخر از شوکت بگذشته‌ایام وطن  
افتخارت بس که هستی عاشق مام وطن  
سر به سر تاریخ میهن عرصه‌ی جولان تو  
وان بزرگان ادب چون گوی در چوگان تو  
حشمت میهن نه تنها از بزرگان پا گرفت  
از قلم‌های تو و امثال تو معنا گرفت  
در کتابت سخت کوش و در قضاوت بی‌نظیر  
در رفاقت صادق و افتاده‌یی و سر به‌زیر  
نارقیقان قدر افکار تو را نشانختند  
بی‌محایا بهر لغو امتیازات تاختند  
شکر لله حافظت چون کوه می‌ماند به‌جا  
با شکوه و سربلندی عاقبت گردد رها  
آرزومند است ثابت در بقا باشی امین  
سرفراز از بخشش و لطف خدا باشی امین

#### ۸- نصرت‌الله زندی (پدرام تویسرکانی)

امین ملک و فایبی بگو: که حق‌گویی  
سفیر صلح و صفایی بگو: که حق‌گویی  
از آن ز سینه سرایی سرود دل‌تنگی  
که عارف به سرایی بگو: که حق‌گویی  
تو از سلاله‌ی سبزه ستم‌ستیزانی  
و اهل چون و چرایی بگو: که حق‌گویی  
من از دریچه‌ی چشمان دل‌نگر گویم  
تو نور دیده‌ی مایی بگو: که حق‌گویی  
حمید و حامی حقی حماسه‌ساز سرا  
بهین چکامه‌سرایی بگو: که حق‌گویی  
حقیقت از حد میزان و منظر پیداست  
طیب عقده‌گشایی بگو: که حق‌گویی  
سروش دلکشت آید به گوش هوش نبوش  
امید شاه و گدایی بگو: که حق‌گویی  
زالال چشمه‌ی شعرت بود ز شم شعور  
به «پدرامی» تو سزایی بگو: که حق‌گویی

#### ۹- دکتر علی وصال

اوستاد با خرد ای دانشی مرد گزین  
ای امین ملک و دین، ای ملت ما را امین  
در سپهر علم و حکمت، آفتاب روشنی  
در مدار فضل و دانش، اختر عرش برین  
ای تو شادی‌بخش جان‌های غمین و دردمند  
وی تو با این شعر تر آرام دل‌های غمین  
شد ز نظم دلکشت احوال گیتی با نظام  
تا ز نثر خود پراکندی گهرها بر زمین  
دوستداران تو بر شمع رخت پروانه‌اند  
از شمال و از جنوب و از یسار و از یمین  
می‌بری میراث از فردوسی و از بیهقی  
وارث خواجه نصیر طوسی و ابن‌یمین  
جامع معقول و منقولی و خود امروز هست  
از سخن‌های دری هر گفته‌ات درُ نمین  
حافظات را رفع توقیف از خدا خواهد وصال  
ای بهین فرزند دانشمند خیرالمسلسین

#### ۱۰- حسین حاجی‌نوروز (نوروزی)

ای امین ای آن‌که استادی تو در فن سخن  
باشی اندر ملک ایران وارث شعر کهن  
یکه‌تاز دانش و فضلی در این دوران امین  
کم بود همتای تو، شمع‌ی تو در هر انجمن  
از زبان دل چنین گویم به نزد اهل نوق  
خاک زیر پای تو شد توتیای چشم من  
آرزویت هست باشد گلستان این سرزمین  
گردد از ایران‌زمین فقر و جهالت ریشه‌کن  
می‌کنی سعی و تلاش مستمر بیش از توان  
تا مساوی در وطن‌سازی حقوق مرد و زن  
هست آن مهنامه‌ی حافظ تو را حصنی حصین  
نظم و نثر آن بود خوش‌بو چو یاس و نسترن  
باشد این مهنامه چون خنجر به‌دست در نبرد  
بر گلوی دشمنان پست تو هم‌چون رسن  
هست بر ما آشکار، این کینه‌جویان دغل  
دست هرگز برندارند از تو، هم‌چون اهرمن  
از حقیقت هرچه می‌خواهی بگو، ما جملگی  
دوستداران توایم و جان فدا بهر وطن  
کعبه‌ی ما، قبله‌ی ما، ملجأ مایی امین  
کفر نبود، بهر ما هستی تو بت، ما چون شمن  
گفت نوروزی سراپا حسنی و از آن بود  
نام نیکوی جنابت در سجل سید‌حسن  
آرزومان هست توفیق تو در کارت امین  
شادمان باشی به عمرت، دور از اندوه و حزن

۹۱- ناصر امیرسالار گودرزی

ای حامی فرهنگ وطن، یاد توایم  
 عمری ست که بهره ور، ز ارشاد توایم  
 اندیشه‌ی تو، ز هر پلیدی دور است  
 در انجمن تو هاله‌یی، از نور است  
 عمری ست که با قلم رفاقت داری  
 با عشق وطن، این همه طاقت داری  
 چون شمع فروزنده به راه هنری  
 در باغ ادب، تو شاخه‌ی باروری  
 ای هم‌وطن عزیزز ایرانی ما  
 ای سید محبوب خراسانی ما  
 در دورترین شهر وطن، یاد توایم  
 یک عمر دگر، طالب ارشاد توایم  
 گر زنده دل و اگر غمین آمده‌ایم  
 با عشق، به دیدار امین، آمده‌ایم

۹۲- حسین فهیمی

مانده بر دل حسرت دیدار دوست  
 هرچه داریم از قد و بالای اوست  
 سینه باشد شرحه شرحه، غرق خون  
 دیده دریا و نگرها با جنون  
 آن چه دیدم در پی این سال‌ها  
 یک به یک بشکست ما را بال‌ها  
 شد مقابل پیر عیاران عشق  
 مرشد و رهبر به حق یاران عشق  
 آیت دل را امین‌ی آمده است  
 وز برایش این، سروش آورده است  
 گفتنی‌ها، جمله‌ها، سرمشق‌ها

درس‌ها داده به ما پس پُربها  
 یادی از حق و عدالت برده است  
 نامی از عشق و ارادت برده است  
 هرچه دیدم در پس این نامه‌ها  
 حق بگویم من ندیدم جز صفا  
 زان چه گوید جمله‌ی ناحق نبود  
 وان سخن‌های خوشش مغلط نبود  
 من نمی‌دانم چرا این‌گونه شد  
 دل شکست و کار ما وارونه شد  
 از چه رو میخانه‌ی حافظ بپست؟  
 شحنه‌ی شهر از چه کلکش را شکست؟  
 من چه کردم، پاسخم اینگونه داد؟

۹۲- علی پناهی نیکو

فاش گویم سیرتی پاک و متین دارد امین  
 شادی و غم در خم چین جبین دارد امین  
 زین همه ادیان و مذهب‌ها که در این عالم‌اند  
 شیمه‌ی اثنا عشر دین مبین دارد امین  
 در شب شعر و غزل خوانی به جمع شاعران  
 بر لبانش دم به دم صد آفرین دارد امین  
 در کلامش شهد و شور و از نگاه نافذش  
 بس پیام ره‌گشا و دل‌نشین دارد امین  
 گر کسی از کین زُند زخمی به شعر پارسی  
 اندر آن ببشه چنان شیرینی کمین دارد امین  
 افتخار شاعران بر شعر ناب و دلکش است  
 شعر چون «ایرانی‌ام، ایران‌زمین» دارد امین  
 گفت خود در یک سرودش کز زبان‌های جهان  
 افتخاری از حروف سین و شین دارد امین  
 پرده‌ها پس می‌زند تا دیده‌ها روشن شود  
 گه نگه بر قبر کورش گه به فین دارد امین  
 در ره اهداف خود در سنگلاخ این جهان  
 در نبرد خویش عزمی آهنین دارد امین  
 پشت او کی خم شود در زیر بار افترا  
 ریشه چون در خاک پاک صالحین دارد امین  
 بی‌نیاز از باغ و گلزار و گلستان است چون  
 در حرم یک مریم و یک یاسمین دارد امین  
 من چه آرام خودم، در وصف یک صاحب سخن  
 هر چه گویم بیش دانه بیش از این دارد امین  
 چون که صادق باشد و بی‌غل و غش از آن بود  
 در میان دوستان بزمی چنین دارد امین  
 آخرین بیتش پناهی گفت با شوخی و طنز  
 زیر عینک چشم‌های ریزبین دارد امین

۱۴- شعر و خط از:  
 جلال مهدیانی سرکانی

# غزل موشح

میر تقی میر

تو که معرفت کنز در سبزه‌های تو  
 در کعبه سینه‌ی من گشت خلیفه‌ی جایی تو  
 وقتی رسیدی تا که کم‌ترین از تو  
 فکر و شعور بگفت فروغ بود تو  
 سال هزار و سیصد و هشتاد  
 وصف ترا به شعر که بنام تو  
 رسمی است بر کتب و روزنامه‌ها  
 این رسم بر شکوه روزگار تو  
 محبوبی و عزیز و گرامی به نزد ما  
 یزدان نگاه دار تو باشد تمام عمر  
 بهر موم از فضال بی‌انتهای تو  
 بخود از طلال غنایان ز میج کس  
 درج غنایان ز میج کس

برای نوشتن این موشح از استاد جلال مهدیانی سرکانی که در این مجموعه آثار خفایان  
 به اهتمام سرکار فرهنگ خورشید و زیر قرائت توفیق یافتن سرودن شد  
 جلال مهدیانی سرکانی

با که گویم این همه داد و وداد؟  
 حق من این نیست، دادم را بده  
**حافظ** و آن قلب شادم را بده  
 همت مردان مردان را نگر  
 قدرت این پور ایران را نگر  
 کار هر کس نیست ایمان داشتن  
 بذر عشق اندر دل خود کاشتن  
 چامه‌ها در وصف ایران ساختن  
 در قمار عشق، جان را باختن  
 زنده کرده یاد یاران وطن  
 برده از دل لشگر درد و محن  
 از چه رو تو بستی این میخانه را؟  
 برنتیابی از چه این فرزانه را؟  
 گوش کن پس، آن چه می‌گویم بگو  
 گر که داری پاسخی بر من بگو  
 حق من باشد بدانم من کیم  
 با جهالت من دگر افسر نیسم  
 تو بخواهی من ندانم کیستم  
 از برای چیست هست و نیستم  
 من بخواهم دانشم افزون شود  
 از ذالست روح من بیرون شود  
 پس بخواهم نامی مینو سرشت  
 چون امین آن را برای من نوشت  
 از برای من که ایرانم سراسر است  
 غیر آنم هر چه می‌گویی خطاست  
 باز می‌گویم شما را مفتیان  
**حافظ** ما را ببینید این میان  
 هست امین چون ماه اندر آسمان  
 آخر او باشد خودش یک کهکشان  
 باز پس دارید بر من منظرش  
 تا بگیرم هم‌چو جانان در برش  
 تا که شاید بخشمت بار دگر  
 تا که از این ننگ کم ماند اثر

### گزارش منظوم مراسم

#### ۱۵- عبدالحسین میرزایی

انجمن از پرتو تو برتری دارد امین  
 محضرت با باغ مینو همسری دارد امین  
 قدر شعر فارسی را می‌شناسی مرحبا  
 بر تو خواند هر که شعر دفتری دارد امین  
 بر سر خوان سعادت، باد مهمان بتول  
 آن زنی کو بر تو حق مادری دارد امین  
 زنده شد فرهنگ ایران از شعور و شمر تو  
 فیض انفاس تو بس جان‌پروری دارد امین  
 چامه‌های میهنی خواهم شنیدن از لب

التذاذ از شعر تو لفظ دری دارد امین  
 نه به تنهایی هنرمند و ادیب و شاعر است  
 علم قانون و عدالت‌گستری دارد امین  
 هم‌چو صدرا از مشاعر می‌زند بر صدر جا  
 در قصاید طبع شعر انوری دارد امین  
 می‌نشاید ماند چون سعدی زبان در کام او  
 در نیامش ذوالفقار حیدری دارد امین  
 گرچه استان خراسان است او را زادگاه  
 شهرت و نام و نشان کشوری دارد امین  
 شاعر ملی‌ست یغمایی به مدحش سرفراز  
 رتبه‌ی سرتیپی و سرلشگری دارد امین  
 نیز هوشنگ وزیری و خدیو آراستند  
 مجلس تبجیل از بس مشتری دارد امین  
 یار قانون‌دان، او شد پرهیز فرهاد راد  
 ناشرش عبدالرحیم جعفری دارد امین  
 ناطق فعلی چو تبریزی ستاید کار او  
 چون که ز اعجاز سخن، پیغمبری دارد امین  
 پیش کسوت پاک‌جانی هم‌چنان زهتاب فرد  
 در شمار دوستان آذری دارد امین  
 از گمال زین دین زینت بگیرد مجلسش  
 چون قریشی حشمت اسکندری دارد امین  
 قاسمی‌وند هنرمند است او را مدح گو  
 مثل سجادی خطیبی منبری دارد امین  
 شهریاری آن‌که توران است نام دلکشش  
 وصف او گوید ز بس دین‌باوری دارد امین

گرچه در مجلس ندیدم جز مکلیان کسی  
 یک معمم هم به‌نام سنجری دارد امین  
 بد فریدی کاو جواهر ریخت هر دم از کلام  
 عطری از او چون گلاب قمصری دارد امین  
 دسته‌گل‌ها از تجدد و ز نواده در رسید  
 سینه هم‌چون لاله‌های احمدی دارد امین  
 از حقیقت گفت در وصفش حقیقت بس سخن  
 هم ز حفقو شاخه‌ی نیلوفری دارد امین  
 می‌سراید در مدیحه‌اش میرزایی این چنین  
 حق نه بر ما شاعران، بر شاعری دارد، امین

#### ۱۶- افسانه صفرپور

امین ای دوستدار، شاعر شیرین‌سخن حافظ  
 نگه‌دار حریم حرمت فخر زَمَنِ حافظ  
 حسن نام تو و باشد مسمی نام نیکویت  
 یقین دارم بود راضی ز رفتار حسن حافظ  
 تویی آزاده فرزند گرمی کشور ایران  
 که می‌کوشی نگاه‌داری ز کید اهرمن حافظ  
 دریغ و درد، دردت را نمی‌دانند بی‌دردان  
 که بندند از بیان حق تو را این سان دهن، حافظ  
 همواره آرزوی تو ای فروغ جاودان این است  
 که شادان باد روح شاعر عهد کهن حافظ  
 درخشیدی چنان خورشید در کل وطن، آری  
 تو باشی مشنهر چون شاعر شیرین‌سخن حافظ

#### ۱۷- لوح تقدیر «چهره‌ی درخشان ایران زمین»

بنام خدا  
 استاد دانشمند و پژوهشگر برجسته  
 چهره‌ی درخشان ایران زمین  
 با درود فراوان برین بوسیدار کوشش‌کننده در کمال  
 علم و سیرت آن استاد که با بویژه آتش پرچم و چادر مبارک  
 دین حقا و طول پنج سال گذشته تقدیر بنام  
 این لوح تقدیر را برایش در این دست‌نوشته است  
 در کمال احترام و در روز چهارشنبه ۱۳۸۷ هجری  
 در کمال فروغ و در کمال اشتیاق استادان، پژوهشگران و نویسندگان  
 شادان و سوزناک بر قلم‌ها جاری کردیم و بجز بهترین تقدیم می‌کنیم  
 بگوشه‌ی یادگاران برجسته  
 خط از: صاحب‌علی ملکی